

## بسم الله الرحمن الرحيم

### اینک جایگاه زن پس از سال‌ها تجلیل از روز جهانی‌اش به کجا کشیده شده؟

(ترجمه)

همه‌ساله در هشتم مارچ سال میلادی جشن‌هایی به نام روز جهانی زن راه‌اندازی گردیده و در آن کنفرانس‌ها و سمینارها برگزار می‌گردد؛ سخنرانی‌های پرآب و تاب صورت گرفته و کلمات و جمله‌های رنگارنگ نثار زنان می‌شوند؛ از به اصطلاح "دست‌آوردهای زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی" یاد شده و از زن به دلیل تلاش‌ها و نقش‌اش در تغییر و پیشرفت قدردانی صورت می‌گیرد؛ حتی دولت‌هایی مانند فلسطین، روسیه، کیوبا و چین در 8 مارچ رخصتی رسمی به زن‌ها می‌دهند.

اگر به تاریخچه و بنیاد این روز برگردیم و جستجو کنیم که چرا مشخصاً این روز برای این هدف برگزیده شده، به هشتم مارچ سال 1908 م می‌رسیم؛ زمانی که هزاران کارگر زن نساجی در شهر نیویارک امریکا به دلیل شرایط غیرانسانی و ساعت‌های درازکاری، که از آن رنج می‌بردند، دست به اعتراض زدند. آنان شعار این اعتراض‌های‌شان را "نان و گل" گذاشتند؛ چنانچه قطعاتی از نان خشک و دسته‌هایی از گل را در جریان اعتراض‌ها با خود حمل می‌نمودند. زن‌های اعتراض‌کننده خواستار کاهش ساعت‌های طولانی کار، متوقف نمودن کار کودکان، مساوات در دست‌مزدشان با مردان و دادن حق رأی به زنان شدند. هرچند این اعتراض‌ها توسط طبقه کارگر راه‌اندازی گردید؛ اما رفته‌رفته رشد نمود و زنانی از طبقه‌های متوسط جامعه نیز به آنان پیوستند و سرانجام تبدیل به یک حرکت قوی زنانه در امریکا شد که خواستار مساوات میان زن و مرد گردید.

به این ترتیب، هشتم مارچ تبدیل به روز زن امریکایی شد تا به وسیله آن یاد زنان اعتراض‌کننده‌ای که خواستار حقوق‌شان بودند، جاویدان بماند و سپس داستان این روز به سایر دولت‌ها نیز گسترش داده شد تا سرانجام تبدیل به روز جهانی زن گردید. این بود داستان تاریخی این روز، که همه ساله در آن به اصطلاح از زن "تجلیل" صورت می‌گیرد؛ درست مانند روز "مادر"، روز "عشق" و سایر مزخرفات و دروغ‌های شاخ‌دار دیگری که با استفاده از آن، بیدادگری، کوتاهی و هتک حرمت‌شان را به زن در پس آن پنهان می‌کنند؛ زیرا دید آنان به زن هرگز از منفعت و سوءاستفاده از کرامت زن فراتر نمی‌رود.

پرسش اینست که زنان خود، به جز دوییدن دنبال سراب و دل‌خوش کردن به دروغ‌های آنان، چه چیزی به دست آورده‌اند؟ دروغ‌هایی مبنی برابری اقتصادی، جایگاه اجتماعی بلند و استقلال و آزادی، که به قیمت زن بودن، مادر بودن و آرامش‌شان تمام شده! زن را با توهم مساوات فریب دادند و با وعده‌های دروغین چشم‌وگوشش را بسته و او را به دور خودش می‌چرخانند و او گمان می‌کند که چشم‌هایش به واقعیت‌ها باز شده اند!

آنان، غیر مسلمانان، به زنان خود اکتفاء نکردند؛ بلکه این مفاهیم و یاوه‌گویی‌های‌شان را به زنان مسلمان نیز سرایت دادند و با تمام ابزار و امکانات خویش در استحکام این مزخرفات در اذهان زنان مسلمان تلاش کردند و طوری وانمود کردند که زن مسلمان نیازمند آزادی و اخذ حقوق ضایع شده‌اش می‌باشد. مفاهیم اسلام را در نظر زن مسلمان بد جلوه داده و وی را قناعت دادند که احکام اسلام

دست و پای زن را بسته و در زندان قرار داده است؛ پس باید برای آزادی خود تلاش کند. به زن مسلمان چنین جلوه دادند که اسلام دین خشونت بوده و با اجازه دادن به "کتک زدن زن" و تعدد ازدواج مردان، در حق زن اهانت نموده است. اصطلاح ازدواج قبل از وقت را ساخته و طوری وانمود کردند که این کار به معنی تجاوزجنسی به زور قناعت داده شده است؛ در حالی که خودشان روابط نامشروع و حرام را حتی در سنین پایین اجازه می‌دهند و آن را آزادی شخصی می‌نامند! زنان مسلمان را به بهانه مساوات با مردان و لزوم سربلندی از نقش اساسی، که الله سبحانه و تعالی فطرت‌شان را بر مبنای آن رقم زده، فریب و قناعت داده اند. آنان خود اعتراف می‌کنند که فاصله میان مرد و زن تا سال **2186م** به صورت کامل از بین نخواهد رفت و بدون این‌که به اسباب و دلایل آزار و اذیت‌های جنسی را در نزد خودشان اشاره کنند، خواستار مساوات می‌شوند.

پرسش اینست که آیا با این همه تمرکز و فعالیت‌هایی که همه‌ساله روی روز جهانی زن صورت می‌گیرد، خشونت و کوتاهی‌ها در حق زن کاهش یافته؟ برعکس، آمار خشونت‌های جنسی و برخوردهای سوء با زنان توسط نزدیکان و بیگانه‌گان در سراسر جهان سالانه به **35 درصد** افزایش یافته است. البته این آمار است که یونیسف در سال **2014م** منتشر نمود و این آمار مخصوص دولت‌های فقیر و یا سرزمین‌های اسلامی نیست؛ بلکه آمار دولت‌هایی رده اول در ایجاد مساوات میان زن و مرد و دولت‌هایی که با فریاد حفظ حقوق و آزادی زنان گلو می‌درند، تکان دهنده است؛ چنانچه فیصدی خشونت جنسی در دنمارک به **52 درصد**، در فنلند به **47 درصد**، در سویدن به **46 درصد** و در انگلیس به **44 درصد** رسیده است. این خشونت‌ها شامل زدن، کشتن، تجاوز و آزار جنسی و هم‌چنین آزار و اذیت زبانی می‌شود که زنان خودشان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و این آمار بازم، همه روزه در حال افزایش است.

چنان‌که دیده می‌شود، خشونت‌ها علیه زن در دولت‌هایی که تابع اسلام نیستند، به مراتب بیشتر و متنوع‌تر است؛ اما به هیچ‌وجه بالای آن تمرکز نمی‌کنند؛ چنان‌که در سرزمین‌های اسلامی بالای خشونت تمرکز می‌کنند و پیوسته به اسلام و احکام آن می‌تازند، انکار مسئول تمام این خشونت‌ها اسلام است؛ در حالی که دلیل اصلی تمام این ستم‌گری‌ها، دوری بشریت از اسلام است. مشکل اینست که آنان میان رسم و رواج‌های کهنه و پوسیده ناشی از فرهنگ‌های مزخرف انسانی، که حقوق زن را پایمال می‌کند، زن را از تحصیل، کار، ازدواج به رضایت خود و میراث محروم می‌کند و احکام پاک اسلام، که شرافت و کرامت زن را به خوبی رعایت و حفظ می‌کند، خلط نموده و با استفاده از آن به اسلام می‌تازند.

باید دانست که احترام به زن این نیست که یک روز در سال شعار سر داد؛ سخنرانی‌های با آب و تاب نمود، با الفاظ رنگارنگ به افکار ساده‌اندیشان و سطحی‌نگران دست‌برد زد و به احکام اسلام، به ویژه احکام نظام اجتماعی اسلام عزیز تاخت؛ احکامی که رابطه مرد و زن را به خوبی مشخص می‌کند و خانواده و جامعه را به هم پیوسته، متجانس و نیرومند نگه می‌دارد. این‌ها ارزش‌هایی اند که دشمنان اسلام و مزدوران‌شان نمی‌خواهند در میان مسلمانان به وجود آیند؛ بلکه می‌خواهند خانواده‌ها و جامعه اسلامی از هم گسیخته، متلاشی و پیرو افکار و مفاهیم فاسد آنان باقی بماند تا به ساده‌گی بتوانند بالای آن تسلط یابند و هرگز شاهد بیداری و قیام نباشند.

واقعیت اینست که احترام به زن در حقیقت با تطبیق احکام اسلام میسر است و بس؛ احکام شریعتی که زن را همیشه و در تمام اوقات تکریم و احترام نموده و نه یک روز در سال؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم به احترام زنان توصیه نموده و دستور داده تا در تمام مراحل و جایگاههایی که زن در جامعه دارد، به وی احترام و رسیده‌گی صورت گیرد: مادر، دختر، خواهر، همسر، خاله، عمه، مادر بزرگ و... در حقیقت توصیه‌های قرآنی و وصیت‌های رسول گرامی اسلام به زنان، احترام و جشن‌های دائمی‌اند که اسلام به زنان گرفته است.

اما در جهت دیگر و در نبود دولت حامی و پشتیبان است که جامعه بخش عظیمی از مسئولیت را متحمل می‌شود. درست است که علیه زنان مسلمان از بیرون دسیسه‌ها طراحی شده و جنگ‌ها راه‌اندازی می‌گردند؛ اما اگر کوتاهی‌ها و ستم‌های بی‌شمار و عدم تعامل خودمسلمانان با زنان‌شان بر اساس شریعت اسلامی نمی‌بود، هیچ یک از این کارها صورت نمی‌گرفت. این کوتاهی‌ها شگاف‌هایی را باز نموده که سازمان‌هایی به ظاهر خیریه از آن استفاده می‌کنند و تمدن فاسد و متعفن غرب را به زنان مسلمان نیکو و براق جلوه می‌دهند و به این ترتیب، آنان را از اسلام دور می‌کنند.

نفرین به این جشن‌های ظاهری و فریبنده و شعارهای دروغین آنان و چه نیکوست اسلام واقعی و غیرآلوده به تهمت‌ها و فتوای داعیان گمراه‌کننده و علمای سوء. و اما تو ای زن! چشمات را باز کن و ببین که راه درست کدام است؛ آن را دنبال کن و فریب شعارهای براق و فریبنده دشمنان را نخور و به این روزها و جشن‌های دروغین دل خوش مکن!

**نویسنده: ام صهبیب شامی**

**برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر**